

دکتر سعید فشقایی
 عضو هیئت علمی و استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا
 مهدی رضا کمالی بانیانی
 دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا

بررسی آرکی تایپ رنگ در آثار سهراب سپهری

چکیده:

یکی از مباحثی که در ادبیات، امروزه مورد توجه قرار دارد مبحث آرکی تایپ است. این بحث به وسیله کارل گوستاو یونگ و مکتب مردم شناسی تطبیقی دانشگاه شیکاگو مطرح گردید و در ادبیات راه یافت.

ناقدان ادبی ضمن مطرح کردن مباحثی از قبیل آنیما و آنیموس، سایه، نقاب، مادر کبیر، پیرمرد خردمند، آب، خورشید، دایره، اعداد، رنگ و ... به کند و کاو ضمیر ناخودآگاه جمعی راه یافته و به تحلیل و نقد و بررسی هر اثر و خالق آن می‌پردازند.

رنگها در زندگی انسان تأثیر شگرف و جایگاه ویژه ای دارند در برخی از تمدنهای کهن، رنگها سمبل مفاهیم خاصی بودند. بعضی رنگها، نشاط انگیز و آرام بخش و قرار آفرین اند، و برخی دیگر، تحریک بخش و مایه سرزندگی و برانگیزنده و موجب تحریک و تهییج. از این رو رنگها ارتباط عمیقی با ضمیر ناخودآگاه جمعی پیدا می‌کنند و در دسته بندی آرکی تایپ ها قرار می‌گیرد.

در این مقاله تلاش گردیده تا تطبیقی میان رنگها و نماد هایشان با مفاهیم و معانی آرکی تایپ در شعر سهراب سپهری صورت گیرد و تأثیر پذیری سهراب از آرکی تایپ رنگها بررسی گردد.

سهراب از عنصر هفت رنگ سیاه، سفید، آبی، سبز، سرخ، زرد، بنفش ۲۱۲ بار در اشعارش بهره جسته که ۶۵٪ آن با مفاهیم آرکی تایپ تطبیق دارد.

کلید واژه: ۱- سهراب سپهری ۲- رنگ ۳- آرکی تایپ ۴- هشت کتاب

مقدمه :

رنگها در زندگی انسان تأثیر شگرف و جایگاه ویژه ای دارند در برخی از تمدنهای کهن، رنگها سمبل مفاهیم خاصی بودند. ارتباط عمیق بین رنگ و ادیبانی چون بوداییسم، هندویسم و مسیحیت و اسلام وجود داشته است. «گوته در رساله رنگها اثبات می کند که هر رنگ تأثیر خاصی دارد و هر تأثر از رنگی خاص، حال و هوای روانی مخصوصی پدید می آورد. می توان منطق رنگها و تأثیر عمیق ناشی از هر رنگ را، به زبان قوانین فیزیک که تشعشعات آنها را اندازه می گیرند، دقیقاً تعریف کرد: فی المثل بعضی رنگها، نشاط انگیز و آرام بخش و قرار آفرین اند، و برخی دیگر، تحرک بخش و مایه ی سرزندگی و برانگیزنده و موجب تحریک و تهییج».

(رمزهای زنده جان، صص ۱۱۴۶-۱۱۵)

از این رو رنگها ارتباط عمیقی با ضمیر ناخودآگاه جمعی پیدا می کنند و در دسته بندی آرکی تایپ ها قرار می گیرد. این کلمه در فارسی به کهن الگو، نمونه های ازلی، صور ازلی، صور اساطیری، صورت نوعی ترجمه شده است. «در روانشناسی و ادبیات جدید، این اصطلاح بار معنایی گسترده ای یافته است. این امر از یک سو مدیون روانشناسی کارل گوستاو یونگ، و از سوی دیگر، مکتب مردم شناسی تطبیقی دانشگاه شیکاگو، و چهره شاخص آن ج.ج. فریزر است. از دیدگاه یونگ کهن الگوها از طریق تجربیات مکرر و مشابه در زندگی پیشینیان در «ناخودآگاه جمعی» ما به ودیعه گذاشته شده اند، و در اشکال متفاوتی همچون اساطیر، مراسم مذهبی، رویاها و تخیلات فردی و بالاخره در ادبیات، ظاهر می شوند که می توان از جمله به تصاویری همچون آب، خورشید، دایره، اعداد و رنگهای خاص و در زمینه مفاهیم مادر کبیر (در دو شکل مثبت و منفی)، پیرمرد خردمند و بسیاری دیگر اشاره کرد.»

(فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی، ص ۴۰۷)

همچنین آنیما و آنیموس، سایه، نقاب از دیگر کهن الگوها به شمار می روند.

رنگ و سمبل آن :

رنگ همچون کلامی گویا است برای بازگو کردن خلق و خوی مردم در زمان های مختلف، رنگ ها به ما تعادل روحی می دهند و این چیزی جز سلامت روانی نیست. رنگ بین حالات ما پلی می زند و کمک می کند تا به یکپارچگی جسم، روح و جان برسیم و احساس بهتری نسبت به زندگی داشته باشیم.

(ر.ک. رنگ و طبیعت شفا بخش آن، ص ۱۳)

رنگ ها با ضمیر ناخود آگاه ما ارتباط عمیقی دارند، در روانشناسی یونگ از رنگ به عنوان « مجموعه ای از نادانسته ها » یاد شده که در آن دانش ها و تجربه های انسانی ذخیره شده است. رنگ های سمبلیک را می توان در برجهای فلکی و معابد بابلیان به روشنی دید. در برخی از تمدن های قدیم، رنگ ها سمبل مفاهیم خاصی بودند، الهه عطارد همانند فرشتگان مقرب به رنگ زرد ظاهر می شود که خود سمبلی از روح است. مریم مقدس را اغلب در پیراهنی به رنگ آبی آسمان نقاشی می کنند که نشان از محفوظ بودن جان است. همزمان با ظهور غیب گویی ارزش سمبلی رنگ ها کم کم بدست فراموشی سپرده شد. رنگ ها بدون واسطه، مفاهیم عمیق درون ما را بیان می کنند.

(ر.ک. همان، ص ۲۳)

بازتاب سه رنگ اصلی در روان شناسی :

در روان شناسی سه رنگ زرد، قرمز و آبی را رنگهای اصلی می گویند. رنگ زرد به دلیل نور و طول موجی که دارد به عنوان رنگ ارتباط بین انسان ها و راه چاره ای برای فرار از گوشه گیری مطرح است. زرد یک سمبل برای روح، آزادی و استقلال می باشد. رنگ زرد احساسات انسان را زیر و رو می کند و انسان از اندوه آزاد می شود.

رنگ قرمز به انسان تحریک می دهد و می تواند احساسات را منقلب کند. در روان‌شناسی، رنگ قرمز به انسان اعتماد به نفس می دهد. از این رو برای درمان ترس از این رنگ بهره می گیرند. از طرف دیگر در مذاهب یهودی و مسیحیت قرمز، رنگ گناه و بیش از همه، گناهان شهواتی است. تا قبل از دوران باستان رنگ قرمز سمبلی از بدن بود. رنگ قرمز همیشه نمادی از آتش شهوت، جنگ و عشق بوده است.

رنگ آبی در انسان نوعی حس قضاوت درونی بوجود می آورد و باعث می شود انسان به خود و احساساتش بیندیشد. یونگ درباره رنگ آبی می نویسد: « در تصور، رنگ آبی به مفهوم عمق و ارتفاع است. در نقاشی های مذهبی، پیراهن دوشیزگان باکره را به رنگ آبی آسمان می کشند. آبی سمبل روان است. »

(رنگ و طبیعت شفا بخش آن، ص ۴۲)

گوته می گوید: « همچنان که رنگ زرد همواره با خود نور و روشنایی دارد، رنگ آبی نیز همیشه با خود ظلمت دارد. »

(همان، صص ۴۷-۲۷)

با نگاه کردن به رنگ آبی و پوشیدن لباس های آبی رنگ به آرامش عمیقی دست خواهید یافت. نور آبی روشن، انسان را به خوابیدن ترغیب می کند و سیستم عصبی را عمیقاً آرام می نماید.

رنگ سیاه و آرکی تایپ آن :

رنگ سیاه رنگی بی تحرک و ساکت و ساکن و غیرمحرک می باشد و ضمن عدم ایجاد هرگونه تحریک روانی و جسمانی سبب نزول و کاهش سایر فعالیت ها و جنب و جوش ها گردیده و کندی و سستی را به ارمغان می آورد.

سیاه رنگی است تسخیر کننده، مؤثر و افسرده و در عین حال سنگین و عمیق. این رنگ سمبلی است از غم و اندوه، ترس، پوشیدگی، اختفا، راز داری و ابهام و ... رنگ سیاه نیز همانند دیگر رنگ ها معانی یکسان و بسیار مشابهی را برای بخش عمده ای از آثار به ارمغان آورده است. (رنگ و تربیت، ص ۷۹)

در مبحث آرکی تایپ رنگ سیاه دارای معانی خاصی می باشد. که عبارتند از: ظلمت، هرج و مرج، ابهام، ناشناخته، مرگ، دانش ازلی ناخود آگاه، تنهایی، غم و اندوه و رازداری. (راهنمای رویکردهای نقد ادبی، ص ۱۷۵)

آرکی تایپ رنگ سیاه در دفتر اول :

سپهری از معدود هنرمندان اندیشمندی است که « درد فلسفی » دارد. درد او « نانی به کف آوردن » و تولید مثل کردن نیست. درد او درد دور ماندن از « اصل خویش » است و به همین دلیل او شاعری است فیلسوف، یا هنرمندی است که فیلسوفانه می اندیشد و شاعرانه می گوید و « از این لحاظ شباهت زیادی به کافکا دارد. هشت کتاب روند تکاملی ذهنی و شعری سپهری را بازتاب می کند. مثلاً در حدود سال های ۱۳۰۰ الی ۱۳۴۰، سپهری چه از لحاظ فلسفی و چه از لحاظ رسیدن به جوهر شعری، هنوز خام است. در دفتر اول فقط با تصاویر « تاریکی»، وحشت تنهایی، ابهام و نرسیدن به حقیقت روبرو می شویم. گویی سپهری تحت تأثیر اگزیستانسیالیستی که بعد از تفکر کمونیستی، در آن روزها در میان روشنفکران ایرانی متداول بود، قرار گرفته و سخت از سارتر و کامو الهام گرفته است.»

(هدایت و سپهری، ص ۱۲۲)

فقط از آغاز سال ۱۳۴۰ و با انتشار مجموعه « آوار آفتاب » است که نگاه شاعر

دگرگون می شود و با طبیعت ارتباط بیشتری برقرار می کند و با آن رابطه شفاف دارد.

دفتر اول مرگ رنگ نام دارد که بیش از آن که به بررسی آرکی تایپ رنگ سیاه در آن پرداخته شود، خالی از لطف نمی باشد که پیرامون این عنوان به بحث بنشینیم. دوران کودکی مترادف با آغاز زمان و ابتدای زندگیست. انسان با بیرون آمدن از دنیای سبز و خواب سبز در دوران کودکی یعنی با هبوط، به تاریخ و زمان آغشته می شود و «شبنم دقایق» بر پوست او می نشیند و وی را به سوی مرگ روانه می کند؛ یعنی خواب سبز بر اثر «شکست رنگ» به خزان و زردی می گراید و داس مرگ آن را درو می کند و به همین دلیل این عنوان را بکار برده است.

(نیلوفر خاموش، ص ۱۱۵)

رنگ سیاه با تعلق به وابسته هایش همچون، تیرگی، تاریکی، ظلمت، کبودی و سیاهی ۱۹ بار تکرار شده است و به ترتیب در شعرهای در قیر شب ص ۷، دود می خیزد ص ۱۴، سپیده ص ۱۷، روشن شب ص ۲۳، سراب ص ۲۵، رو به غروب ص ۲۷ (۳ بار)، غمی غمناک ص ۳۰ (۳ بار)، نایاب ص ۴۸ (۲ بار)، دیوار ص ۵۱ (۳ بار)، مرگ رنگ ص ۵۴ (۳ بار)، نقش ص ۶۰ (۲ بار)، سرگذشت ص ۶۵ آمده است. از میان این ۱۹ مرتبه که رنگ سیاه در دفتر اول نمود یافته است؛ دو مرتبه انگیزه های تنهایی را به دوش می کشد. در قیر شب و غمی غمناک «تنهایی» در اتاق تاریکش موج می زند و رخنه ای برای آن نیست. در و دیوارها دست به دست هم داده اند و بهم پیوسته اند و جز سایه ابهام آور یک و هم چیزی دیگر بر روی زمین نمی لغزد.

رنج ای نیست در این تاریکی: / در و دیوار بهم پیوسته. / سایه ای لغزد اگر روی زمین / نقش وهمی است ز بندی رسته.

(هشت کتاب، در قیر شب، ص ۱۲)

تاریکی یا بهتر بگوییم تنهایی شاعر مونس است که در دل ویرانه اش قصه

هایی پنهانی را برایش ساز می کند.

فکر تاریکی و این ویرانی / بی خبر آمد با دل من / قصه ها ساز کند پنهانی.
(هشت کتاب، غمی غمناک، ص ۳۱)

از دیگر جلوه های آرکی تایپ رنگ سیاه در دفتر اول می توان به بازتاب آن در هاله مرگ اشاره کرد. سهراب می گوید:

جغد برگنگره ها می خواند. / لاشخورها، سنگین، / از هوا، تک تک آیند
فروود: / لاشه ای مانده به دشت / کنده منقار ز جا چشمانش، / زیر پیشانی او / مانده
دو گود کبود.

(هشت کتاب، رو به غروب، ص ۲۸)

و همچنین در شعر زیر که به صورت رنگ کبود جلوه گر است.

دیری است مانده یک جسد سرد / در خلوت کبود اتاقم. / هر عضو آن ز
عضو دگر دور مانده است / گویی که قطعه، قطعه دیگر را / از خویش رانده است.
(هشت کتاب، نایاب، ص ۴۸)

از دیگر جلوه های آرکی تایپ رنگ سیاه در این دفتر، اشاره به ابهام و ناشناخته ها است. سهراب می گوید:

روز و شب ها رفت. / من بجا ماندم در این سو، شسته دیگر دست از کارم. /
نه مرا حسرت به رگ ها می دوانید آرزویی خوش / نه خیال رفته ها می داد آزارم.
/ لیک پندارم، پس دیوار / نقش های تیره می انگیخت / و به رنگ دود / طرح ها از
اهرم می ریخت.
(هشت کتاب، دیوار، ص ۵۲)

در پس پرده ای از گرد و غبار / نقطه ای لرزد از دور سیاه: / چشم اگر پیش
رود، می بیند / آدمی هست که می پوید راه.

(هشت کتاب، سراب، ص ۲۶)

آرکی تایپ رنگ سیاه در دفتر دوم:

«در دفتر دوم (زندگی خوابها) سهراب نسبت به دفتر اول هنوز به تکامل چشمگیری در مسایل فلسفی، هنری و شعری نرسیده است. شعرهایش به نثر نزدیکتر است و شاعر همچون دیگر روشنفکران احساس خفقان می کند و از رنج بودن سخن می گوید. در این بخش شاعر تحت تأثیر اگزستانسیالیستها زندگی را فاقد معنی می بیند.» (هدایت و سپهری، ص ۱۲۴)

در این دفتر سهراب تلاش می کند از رنگ سیاه عبور کند بنابراین همیشه در کنار این رنگ جلوه ای از رنگ سفید یا نور و روشنایی را نشان می دهد. در این دفتر رنگ سیاه همراه با وابسته هایش (تیرگی، تاریکی، کبودی، سیاهی) ۲۴ بار تکرار شده است؛ که به ترتیب در شعرهای فانوس خیس، جهنم سرگردان، پرده، گل کاشی، لولوی شیشه ها، لحظه گمشده، باغی در صدا، مرغ افسانه، نیلوفر، سفر، بی پاسخ می باشد و از این میان در شعرهای جهنم سرگردان، باغی در صدا و سفر با آرکی تایپ رنگ سیاه تطبیق دارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

مرا تنها گذار / ای چشم تبار سرگردان! / مرا با رنج بودن تنها گذار /
مگذار خواب وجودم را پرپر کنم / بگذار از بالش تاریک تنهایی سر بردارم / و به
دامن تار و پود رویاها بیاویزم.

(هشت کتاب، جهنم سرگردان، ص ۸۳)

همچنین رجوع کنید به باغی در صدا، ص ۱۰۷؛ سفر، ص ۱۲۵.

همچنین در شعر پرده هنگامی که شاعر می گوید:

دیوار قیر اندود! / از میان برخیز. / پایان تلخ صداهای هوش ربا! / فرو ریز...
تا دوزخ بشکافند / تا سایه ها بی پایان شوند / تا نگاهم رها گردد، / در هم شکن

بی جنبشی ات را / و از مرز هستی من بگذر / سیاه سرد بی تپش گنگ!

(هشت کتاب، پرده، ص ۸۹)

در شعر فوق سیاهی، نمود تنهایی و ناامیدی و ابهام می باشد با توجه به این که سهراب نقاش است و رنگ با دنیای درونی و برونی وی آمیخته شده است و دنیا را هاله ای از رنگ می داند؛ این سؤال پیش می آید که چرا سهراب در مصراع آخر شعر گفته است: «سیاه، سرد، بی تپش، گنگ.» به نظر نگارنده چون سهراب طبیعتاً با جنبه روانی رنگها آشنا بوده و هر رنگی را متناسب با مفهوم و معنای شعرش به کار برده است. آوردن صفت سرد برای سیاه به این دلیل است که در بحث کنتراست سرد و گرم در روان شناسی رنگها، رنگ سیاه دارای کنتراست سرد بوده و کمترین حرارت را در بر دارد. (عناصر رنگ، ص ۶۵.)

آوردن صفت بی تپش نیز به این دلیل است که این رنگ برخلاف رنگ سفید رنگی است بی تحرک، ساکت، ساکن و غیر محرک و ضمناً باعث کاهش سایر فعالیت ها می شود. (رنگ و تربیت، ص ۷۹)

در مورد صفت آخر (گنگ)، به این دلیل است که با توجه به بحث آرکی تایپ این رنگ نمودی از ابهام و ناشناخته بودن آن است. به عبارت دیگر این سه صفت، سه مفهوم کلیدی رنگ سیاه می باشد که گویی سهراب با آگاهی تمام آنها را به کار برده است.

از دیگر نموده های آرکی تایپ رنگ سیاه در دفتر دوم، بازتاب مرگ است.

مرداب اتاقم کدر شده بود / و من زمزمه خون را در رگ هایم می شنیدم. /

زندگی ام در تاریکی ژرفی می گذشت. / این تاریکی، طرح وجودم را روشن

می‌کرد.

(هشت کتاب، لحظه گمشده، ص ۱۰۴)

جلوه ای دیگر از مفاهیم آرکی تایپ این رنگ در این دفتر نماد ابهام می‌باشد که دو مرتبه در شعر فانوس خیس نمود یافته است. در این جا ما با تصاویر مه آلودی رو به رو می‌شویم که اندام‌های زندگی به هر حال، از میانه آنها به نمایش درمی‌آیند. «در این شعر خطوط مبهمی از زندگی شاعر بجا مانده است. ولی او زندگی در ابهام را نمی‌خواهد و می‌گوید: جایم اینجا نبود.»

(سهراب شاعر نقش‌ها، ص ۳۴)

روی علف‌ها چکیده ام / من شبنم خواب آلود یک ستاره ام / که روی علف‌های تاریکی چکیده ام / جایم اینجا نبود.

(هشت کتاب، فانوس خیس، ص ۷۹)

از دیگر معانی و جلوه‌های آرکی تایپ رنگ سیاه، نمود ظلمت می‌باشد. آن زمانی که همه چیز غرق در ظلمت می‌باشد و لولوی سرگردان در آن سلطه تاریکی حکومت می‌کند.

(هشت کتاب، لولوی شیشه‌ها، ص ۱۰۰؛ فانوس خیس، ص ۸۱)

آرکی تایپ رنگ سیاه در دفتر سوم:

سپهری مجموعه آوار آفتاب را در سال ۱۳۴۰ می‌سراید و در این دفتر توجه شاعر به بودائیسیم آشکارتر است و پیوند بیشتری با طبیعت برقرار می‌کند و انسان به تدریج از شعرهایش حذف می‌شود.

دکتر مقدادی اعتقاد دارد: سپهری در این مجموعه «از لحاظ فلسفی به

بودائیسیم می‌گراید و از نظر ادبی به سوررئالیسم» (هدایت و سپهری، ص ۱۳۱)

سپهری هنوز «رهرو بی‌تاب» جاده حقیقتی است که به آن نمی‌رسد ولی

مصرانه در تلاش است که به اسرار حقیقت دسترسی پیدا کند.

(خانه دوست کجاست، ص ۱۲۷)

او در این سفر تنهاست و واژه تنها بارها در شعرهای این دفتر تکرار می شود. بیشتر شعرهای این دفتر به نثر گفته شده است و از موسیقی کلامی خبری نیست.

سهراب هنوز در این دفتر نومید است و حزن عارفانه‌ای او را به دنیای درون می کشاند واژه های شب، شکست، تاریک، سیاهی، تنهایی، خاموش، تیرگی ۳۴ بار در این دفتر تکرار شده است. تنهایی شاعر همچون مونس هنوز در این دفتر موج می زند، تنهایی ای که طنین تاریکی شاعراست و نه صداست و نه روشنی.

(هشت کتاب، طنین، ص ۱۳۸)

تنهایی شاعر همواره با اوست. در سفر به سوی حقیقت تنهاترین مونس شاعر، تنهایی اوست.

(سهراب شاعر نقش ها، ص ۴۵)

در شعر همراه شاعر در بی چراغی شب ها راه می رود، دستهایش از مشعل، تهی است و همه ستاره ها به تاریکی رفته اند، اگر هم در اینجا اشاره ای به « تو » می شود او از بیراهه لحظه ها، میان دو تاریکی، میان دو تنهایی به او می پیوندد.

تنها می رفتم، می شنوی؟ تنها. / من از شادابی باغ زمرد کودکی براه افتاده بودم. / آینه ها انتظار تصویرم را می کشیدند، / درها عبور غمناک مرا می جستند، / و من می رفتم، می رفتم تا در پایان خودم فرو افتم. / ناگهان تو از بیراهه لحظه های ما / میان دو تاریکی، به من پیوستی. (هشت کتاب، همراه، ص ۱۵۲)

رنگ سیاه ۹ مرتبه در شعرهای طنین (۲ بار)، شاسوسا (۲ بار)، گل آینه (۲ بار)، همراه (۲ بار) و آن برتر (۱ بار) نمود یافته است.

از دیگر جلوه های آرکی تایپ رنگ سیاه در دفتر سوم، ظلمت می باشد. ظلمتی که تالابی تاریک است و ساقه های نور حقیقت گاهی اوقات در آن طنین رویش خود را طنین انداز می کنند. (هشت کتاب، گل آینه، ص ۱۴۹)

و یا در جای دیگر:

همیشه - بهار غم را آب دادی. / فریاد ریشه را در سیاهی فضا روشن کردی،
بر تب شکوفه شیخون زدی، باغبان هول انگیز!

(هشت کتاب، پرچین راز، ص ۱۷۶)

از اشارات رنگ سیاه که در دفتر سوم آمده ۶ مورد در مفهوم ظلمت است که با معنای آرکی تایپ تطابق دارد و در اشعار گل آینه، همراه (۲ بار)، پرچین راز، نزدیک آی و محراب مشاهده می شود.

از جلوه های دیگر آرکی تایپ رنگ سیاه در این دفتر به معنای ابهام می باشد. برای مثال در شعر شاسوسا، سهراب غروب کودکی اش را تماشا می کند و روی برگ افاقیا بوی لالایی مادرش را می شنود و دوران کودکی اش را بیهوده می داند و آینده برای او مبهم، پیچیده و تاریک و سیاه می باشد.

(هشت کتاب، شاسوسا، ص ۱۳۸)

نشان دیگری از ابهام در شعر دروگران پگاه دیده می شود که شاعر در آن با زن درونی شده اش (آنیما) دمساز می گردد و این خود یکی از بهترین نمونه های «کمال» در سیر و سلوک عرفانی او می باشد ولی باز هم در این سفر در می یابیم که زن به عنوان انسان در جهان بیرونی، نتوانسته است از راه عشق به زندگی سهراب معنی ببخشد و اصولاً شاعر در سیر و سلوک عارفانه و فلسفی اش نتوانسته است چه به وسیله زن بیرونی و چه زن درونی «آنیما»، «ابهام» یا تاریکی یا معمای بودن را حل کند.

(هدایت و سپهری، ص ۱۳۶)

تو نیستی، و تپیدن گردابی است. / تو نیستی، و غریب رودها گویا نیست، و دره ها ناخواناست. / می آیی: شب از چهره ها برمی خیزد، راز از هستی می پرد. / می روی: چمن تاریک می شود، جوش چشمه می شکند. / چشمانت را می بندی: ابهام به علف می پیچد. (هشت کتاب، دروگران پگاه، ص ۱۸۵)

از دیگر نموده‌های رنگ سیاه در این دفتر، ناشناخته هاست، ناشناخته ها یا اسراری که در اغلب موارد حقیقتی است که در افق دور، کاخی بلند ساخته با مرمر سپید. برای مثال: در شعر آوای گیاه، زمانی که شاعر در جستجوی پیگیرش به سوی حقیقت به آن دسترسی نمی یابد؛ اسرار و ناشناخته های آن را تاریک و بزرگ می خواند.

و همیشه من ماندم و تاریک بزرگ، من ماندم و همه‌مۀ آفتاب. / و از سفر آفتاب، سرشار از تاریکی نور آمده ام: / سایه تر شده ام. (هشت کتاب، آوای گیاه، ص ۱۷۹)

در دفتر سوم نمادهای ابهام در شعرهای شاسوسا (یک بار)، غبار لبخند (دو بار)، دروگران پگاه (یک بار) و نمادهای ناشناخته و اسرار به ترتیب در اشعار آوای گیاه (دو بار) و شب هم آهنگی یک بار آمده است.

آرکی تاپ رنگ سیاه در دفتر چهارم:

دفتر چهارم «شرق اندوه» نام دارد که به تقلید از مثنوی معنوی سروده شده است. دکتر مقصدی اعتقاد دارد که: «شعرهای این دفتر فلسفی و بیانگر توانایی اش در حل مشکل روحی انسان در دنیای امروز است».

(هدایت و سپهری، ص ۱۴۵)

در دفتر چهارم، رنگ سیاه، تاریکی، تیرگی، کبود، ۱۲ بار تکرار شده اند که به ترتیب در اشعار هلا ص ۲۱۷، هایی ص ۲۲۴ و ۲۳۰، لب آب ص ۲۴۴، هنگامی ص ۲۴۵ (۳ بار)، تا ص ۲۴۷، و شکستم و دویدم و فتادم ص ۲۵۶، به زمین ص ۲۶۲، و چه تنها ص ۲۶۴، تا گل هیچ ص ۲۶۵ آمده است.

از جمله جلوه های آرکی تایپ رنگ سیاه، در این دفتر، نمود ظلمت می باشد که در سه شعر هلا، هنگامی (۳ بار)، به زمین (۱ بار) آمده است.

(هشت کتاب، هنگامی، ص ۲۴۵؛ به زمین، ص ۲۶۲)

مرگ نیز از دیگر جلوه های آرکی تایپ رنگ سیاه در این دفتر می باشد که یک بار در شعر «هایی» مشاهده می شود.

صبحی سر زد، مرغی پر زد، یک شاخه شکست: خاموشی هست. / خوابم
بر بود، خوابی دیدم: تابش آبی در خواب، لرزش برگی در آب. / این سو تاریکی
مرگ، آن سوزیایی برگ. اینها چه، آنها چیست؟ انبوه زمان ها چیست؟

(هشت کتاب، هایی، ص ۲۴۴)

ابهام، تنهایی و نومیدی است که به ترتیب در شعر هایی، تا، و شکستم و دویدم و فتادم آمده است از دیگر جلوه های آرکی تایپ در این دفتر می باشد.

در شعر تا «بر لب ها تلخی دانایی است یعنی این که آگاهی از حقیقت تلخکامی به بار می آورد و کسی که حقیقت را دید دیگر نمی خندد یا به عبارت دیگر: خنده از بی خردی خیزد، چون خندم، که خرد سخت گرفتست گریبانم.»

(هدایت و سپهری، ص ۱۳۴)

و از همان ابتدای شعر خطاب به حقیقت می گوید که بیا و با آمدن خود
ابهام و وهم را بشکن: / بالا رو، بالا رو، بند تکه بشکن وهم سیه بشکن. / آمده ام،
آمده ام، بوی دگر می شنوم، باد دگر می گذرد. / روی سرم بید دگر، خورشید

دگر. / شهر تونی، شهر تونی، / می شنوی رنگ زمان: قطره چکید. از پس تو
ساید دوید. (هشت کتاب، تا، ص ۲۴۷)

در شعر (و...) نیز تنهایی به عنوان یکی دیگر از معانی آرکی تایپ جلوه گر
است. تنهایی که در تاریکی او شعله ور است؟ (هشت کتاب، و، ص ۲۲۹)

همچنین سپهری در شعر (و شکستم و دویدم و فتادم) « دانه راز » می افشاند
و تا هیچ می رود و در تاریکی و در تنهایی و نومیدی خود، در راه وصال به حقیقت،
خورشیدی می بیند و رها می شود.

و فتادم بر صخره درد. از شبم دیدار تو تر شد انگشتم، لوزیدم. / وزشی
می رفت از دامنه ای، گامی همره او رفتیم. / ته تاریکی، تکه خورشیدی دیدم،
خوردم و ز خود رفتیم، و رها بودم.

(هشت کتاب، و شکستم و دویدم و فتادم، ص ۲۵۷)

آرکی تایپ رنگ سیاه در دفتر پنجم:

سپهری در دفتر پنجم (صدای پای آب) هنوز تحت تأثیر سفرهای شرق و
عرفان بودائیسیم قرار دارد. شاعر پیوندی بین خود و کائنات حس می کند و دیگر
تنهایی او را رنج نمی دهد و با خود در آشتی است و هراسی از مرگ ندارد.

(هدایت و سپهری، ص ۱۵۰)

شاعر در این دفتر با اندیشه وحدت وجودی به جهان و کائنات می نگرد و
دیگر فرقی میان انسان امروزی و انسان ازلی و اساطیر نمی بیند. رنگ سیاه همراه با
تاریکی سه بار در این مجموعه تکرار شده است.

(همان، ص ۲۸۳ یک بار، ص ۳۹۰ دو بار)

سپهری در این دفتر پس از پشت سر نهادن دوران کودکی و رسیدن به بزرگی سخن می گوید و به مهمانی دنیا می رود و زندگی را به طور کامل تجربه می کند؛ تجربه ای در تاریکی و تنهایی.

زندگی تجربه شب پره در تاریکی است. / زندگی حس غریبی است که یک مرغ مهاجر دارد.

(هشت کتاب، صدای پای آب، ص ۲۹۰)

آرکی تایپ رنگ سیاه در دفتر ششم:

دفتر ششم سهراب «مسافر» نام دارد که در سال ۱۳۴۵ سروده شده است. دکتر مقدادی در تحلیل اشعار این دفتر می گوید: سپهری در این دفتر هنوز مسافر راه حقیقت است و اگر چه از لحاظ شعری به بلوغ رسیده ولی در این سفر به مقصد نمی رسد. مسافر که در جستجویش برای یافتن «حقیقت» هنوز ناکام است و وصل به او دست نداده، چندین بار می گوید: «دلم عجیب گرفته» که نشانگر عدم وصول اوست. (ر.ک. هدایت و سپهری، ص ۱۵۹)

رنگ سیاه همراه با ظلمت ۲ بار در این دفتر تکرار شده است. شاعر مسافر در این دفتر با محیط اطراف خود انس گرفته و می خواهد که حلقه‌ای از آن زنجیره و عضوی از اعضاء طبیعت باشد، اما هر چیز که عدم وصول به هدفش را به ارمغان بیاورد، رنگی سیاه و مطرود دارد و نمادی از ظلمت است.

سفر پر از سیلان بود. / و از تلاطم صنعت تمام سطح سفر / گرفته بود و سیاه / و بوی روغن می داد.

(هشت کتاب، مسافر، ص ۳۱۷)

و یا در جای دیگر:

بیا، و ظلمت ادراک را چراغان کن / که یک اشاره بس است: / حیات ضربه
آدمی است / که به تخته سنگ « مگار »

(همان، ص ۳۲۳)

آرگی نایب رنگ سیاه در دفتر هفتم:

دفتر هفتم سپهری «حجم سبز» نام دارد که در سال ۱۳۴۶ به چاپ رسیده است. به نظر می رسد که سپهری در این مجموعه به تکامل اندیشه خود رسیده و حامل پیامی برای مردم است ولی گاهگاهی از همین مردم که سخنش را درک نمی کنند، گله و شکایت دارد.

در این دفتر رنگ سیاه، تاریکی، تیرگی، ظلمت در پنج شعر حجم سبز، نشانی، شب تنهایی خوب، از سبز به سبز، ۴ مرتبه، به باغ همسفران، ۲ مرتبه مجموعاً ۹ مرتبه آمده است.

سهراب اعتقاد دارد: چون مردم عادی در برابر حقیقت کورند و توان دیدن آن را ندارند در نتیجه ناشناخته های حقیقت و عدم وصول به آن برای آنها به صورت تاریکی جلوه می کند.

رهگذری خواهد گفت: راستی را، شب تاریکی است، کهکشانی خواهیم

دآدش. (هشت کتاب، پیامی در راه، ص ۳۳۹)

در سه شعر این دفتر به نامهای (شب تنهایی خوب، ۱ بار)، (از سبز به سبز، ۳ بار) سیاهی و تاریکی نماد ظلمت و تنهایی است. اما در شعر (به باغ همسفران) تاریکی نماد ابهام می باشد. آنجا که کوچه های غرق در ابهام و ناشناخته ها، حقیقت را در هاله خود پوشانده اند. (هشت کتاب، به باغ همسفران، ص ۲۹۶)

آرکی تایپ رنگ سیاه در دفتر هشتم:

آخرین دفتر هشت کتاب «ما هیچ، ما نگاه» می باشد که در آن زبان شعری سپهری به پیچیده ترین وضع ممکن می رسد و درونمایه آن احساس فراق و حالت یاسی است که به سبب این دور افتادگی از حقیقت در شاعر پدید می آید.

(هدایت و سپهری، ص ۱۵۵)

در این دفتر رنگ سیاه، ظلمت و تاریکی در شعرهای اینجا پرنده بود، متن قدیم شب، تنهای منظره، سمت خیال دوست مجموعاً چهار مرتبه آمده است.

در شعر (اینجا پرنده بود) تاریکی، مبهم بودن اشکالی را می رساند که از بالهای حقیقت فرو می ریزد.

(هدایت و سپهری، ص ۱۸۴)

ای کمی رفته بالاتر از واقعیت! / با تکان لطیف غریزه / آرث تاریک اشکال از بالهای تو می ریزد.

(هشت کتاب، اینجا پرنده بود، ص ۴۳۰)

در شعر (سمت خیال دوست) تاریکی، نمادی از ابهام و ناشناخته ها است.

از ۴ باری که رنگ سیاه در این دفتر نمود یافته است سهراب در دو مرتبه آن از معانی و مفاهیم آرکی تایپ بهره جسته است.

نتیجه گیری:

نتیجه گیری کلی از آرکی تایپ رنگ سیاه در دیوان سپهری

جمع	دفتر ۸	دفتر ۷	دفتر ۶	دفتر ۵	دفتر ۴	دفتر ۳	دفتر ۲	دفتر ۱	
۱۰۷	۴	۹	۲	۳	۱۲	۳۴	۲۴	۱۹	نمود سیاه
۶۹	۱	۶	۲	۱	۹	۲۲	۱۵	۱۳	تطابق با آرکی تایپ

رنگ سفید و آرکی تایپ آن :

رنگ سفید خاصیتی مثبت، نورانی، ظرفیت و لطف دارد. این رنگ سمبل خلوص، عفت، پارسایی، عصمت، بی گناهی، حقیقت و مهم تر از همه صلح و پایان جنگ می باشد. رنگ سفید در تضاد سیاهی و تاریکی است. به قول پیامبر اکرم (ص) پوشیدن لباسهای سفید، پوشیدن زیباترین لباس است. البسوا الریاض فانه الطیب و اطهروا و اکفوا منذ موتاکم. (جامه سفید بپوشید که آن نیکوترین و پاکیزه ترین رنگهاست و مردگان خود را نیز در آن کفن کنید).

(رنگ و تربیت، ص ۷۸)

رنگ سفید در مفاهیم آرکی تایپ دارای معانی گوناگون می باشد که جنبه های مثبت آن نور، تزکیه، پاکی و زمان لایتناهی و در مفاهیم منفی خود مرگ، وحشت، نیروی مافوق طبیعت و حقیقت کور کننده اسرار جهانی مرموز را می رساند. (راهنمای رویکرد ادبی، ص ۱۷۵)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

آرکی تایپ رنگ سفید در دفتر اول : علوم انسانی

سهراب هفت مرتبه از رنگ سفید در دفتر اول استفاده کرده است که شش مورد آن در شعر رنگ سپید در مفهوم مثبت آرکی تایپ به معنای نور به کار رفته است. صفتهایی مثل بال و پر یک قو، بستری برای موج، صفت برای آذر و یا صفت برای مرمر را به طریق استعاره در اشعار خود آورده است که تمامی همان نور و اشعه سپید می باشد. به عنوان مثال هنگامی که سپیده سحری در آسمان تاریک آشکار می شود.

(شعر سپیده، ص ۱۷)

آرکی تایپ رنگ سفید در دفتر دوم:

سهراب در دفتر دوم سه مرتبه از رنگ سفید استفاده کرده که در سه شعر فانوس خیس به معنی نور (فانوس خیس، ص ۸۰) و در شعر پاداش نمودی از زمان لایتناهی (پاداش، ص ۹۸) و در شعر جهنم سرگردان در معنی حقیقت (جهنم سرگردان، ص ۸۴) به کار رفته است که هر سه مورد با مفاهیم آرکی تایپ این رنگ تطابق دارد. در شعر جهنم سرگردان رنگ سپید یا سبیدی همان جای خالی یا نوشته ای است که سهراب به دنبال اوست، اما عدم رسیدن به آن نوعی فریب برای شاعر تداعی می شود.

سپیدهای فریب / روی ستونهای بی سایه رجز می خوانند. / طلسم شکسته
خوابم را بنگر / بیهوده به زنجیر مروارید چشم آویخته.

(جهنم سرگردان، ص ۸۴)

آرکی تایپ رنگ سفید در دفتر سوم:

دکتر مقدادی در نامگذاری این دفتر توسط سپهری اعتقاد دارد که شاعر در تنهایی تاریکش دنبال حقیقت می باشد. سپهری در این سیر و سلوک اگر چه بسیار صادق و صمیمی است ولی این توانایی را ندارد که به آفتاب حقیقت دسترسی پیدا کند و به همین دلیل نام این دفتر شعرش را « آوار آفتاب » گذاشته است.

(هدایت و سپهری، ص ۱۳۱)

رنگ سفید در این دفتر سه مرتبه آمده است.

(شاسوسا، ص ۱۴۳؛ فراتر، ص ۱۶۳؛ ...، ص ۱۹۷)

در دو شعر شاسوسا و (...) سپیده مظهر نور می باشد. برای انسان در شعر شاسوسا سپیده دم در زمان ظهور بر امواج ریخته می شود که همان بسط نور و روشنایی اوست.

(شاسوسا، ص ۱۴۳)

آرکی تایپ رنگ سفید در دفتر چهارم و پنجم :

شاعر در این دو دفتر اشاره ای به رنگ سفید ندارد.

آرکی تایپ رنگ سفید در دفتر ششم :

در این دفتر رنگ سفید سه مرتبه آمده است. سپید حقیقتی است که شاعر همواره به دنبال اوست و شاعر روزی را پیش چشم می بیند که به وصال حقیقت سپید می رسد و حواسش رنگ سفید به خود می گیرد، رنگ حقیقت:

ولی مکالمه، یک روز، محو خواهد شد / و شاهرآه هوا را / شکوه شاپرک
های انتشار حواس / سپید خواهد کرد. (مسافر، ص ۳۲۱)

همچنین در جای دیگر از همین شعر رنگ سفید نماد روشنایی و زمان لایتهای آمده است که شاعر خواستارست تا دقیقه ها و لحظه ها او را به آسمان روشن غریزه سوق دهند.

همچنین در جای دیگر سپید نماد پاکی است که از جنبه های مثبت آرکی تایپ این رنگ می باشد. (مسافر، ص ۳۰۵)

آرکی تایپ رنگ سفید در دفتر هفتم :

شاعر در این دفتر اشاره ای به رنگ سفید ندارد.

آرکی تایپ رنگ سفید در دفتر هشتم :

در این دفتر رنگ سفید ۵ بار آمده است که در چهار مورد با مفهوم آرکی

تایپ آن تطبیق دارد. (وقت لطیف
 شن، ص ۴۱۹؛ هم سطر، هم سید، ص ۴۲۷ (۲ بار) بی روزها عروسک، ص ۴۳۹؛ اینجا همیشه تیه، ص ۴۵۳)
 برای مثال در شعر وقت لطیف شن، رنگ سید به معنای حقیقت یکی از
 جلوه های آرکی تایپ است.

وقتی که درخت هست / پیداست که باید بود، / باید بود / ورد روایت را
 تا متن سید دنبال کرد.

(وقت لطیف شن، ص ۴۱۹)

نتیجه گیری :

نتیجه گیری کلی از آرکی تایپ رنگ سفید در دیوان سپهری

جمع	دفتر ۱	دفتر ۲	دفتر ۳	دفتر ۴	دفتر ۵	دفتر ۶	دفتر ۷	دفتر ۸
نمود سفید	۷	۳	۳	-	-	-	۳	۵
تطابق با آرکی تایپ	۴	۲	۲	-	-	-	۲	۴

رنگ آبی و آرکی تایپ آن :

آبی رنگی است صاف، روشن، باطراوت، آرام، ساکت، تسلیم شونده و
 امیدوار کننده. اصولاً رنگ آبی، رنگ مقدسی می باشد. در فرهنگ اسلامی چون
 آسمان به رنگ آبی بوده و جایگاه فرشته ها و خدا و موجودات پاک می باشد؛
 دارای تقدس و احترام خاصی است.

(روان شناسی رنگها، ص ۵۳)

گنبد‌های آبی و نیز مناره های آبی به مانند پلی بین زمین و آسمان محسوب می شود. رنگ آبی در زندگی سهراب موج می زد. (رنگ و تربیت، ص ۶۲)

پریدخت و پروانه سپهری به رنگ آبی در محیط خانه و تأثیر آن بر خانواده خود اشاره دارند. پریدخت در کتاب «سهراب مرغ مهاجر» از اتاقی بر روی سر طویله نام می برد که اتاق آبی نام دارد. (سهراب مرغ مهاجر، ص ۱۹)

پروانه در کتاب اتاق آبی آورده است: «اتاق آبی از صمیمیت حقیقت و عشق دور نبود، در بودیسم رنگ آبی در جنوب بود. اتاق آبی هم در جنوب خانه ما قرار داشت.» (اتاق آب، ص ۱۵)

«صدایی که از اتاق آبی مرا می خواند. از آبی اتاق بلند می شد. آبی بود که مرا صدا می زد. این رنگ در زندگی من دویده بود. میان مکث و سکوت بود، در هر مکث آبی بود، من کنار کویر بودم و بالای سرم آبی می شد. کف حیاط پر از طپش های قلب آبی کاشی ها بود، روی زمین هم ذخیره آبی بود، باغ ما پر از نیلوفر آبی می شد و جایگاههای گل‌های آبی کاسنی. نگین انگشتر مادرم نیز آبی بود.» (اتاق آب، ص ۳۳)

رنگ آبی در بحث آرکی تایپ دارای معانی و مفاهیم متعددی می باشد که عبارتند از: «حقیقت، صداقت، احساس مذهبی، امنیت، تزکیه معنوی.»

(راهنمای رویکرد ادبی، ص ۱۷۵)

آرکی تایپ رنگ آبی در دفتر اول :

شاعر در دفتر اول به رنگ آبی اشاره ای ندارد.

آرکی تایپ رنگ آبی در دفتر دوم :

این رنگ در دفتر دوم چهار مرتبه تکرار شده است که به ترتیب در اشعار فانوس خیس، ص ۸۱ (۲ بار)؛ گل کاشی، ص ۹۲ (۲ بار) آمده است.

در شعر گل کاشی، رنگ آبی کاشی ها، سکون و آرامش باطن شاعر را در هاله ای از تقدس که از جلوه های آرکی تایپ است به نمایش می گذارد؛ زیرا کاشی آبی یاد آور معابد و محیط های مذهبی است. شاعر در کاشی آبی که منجمد و سنگی است زندگی و حیات و پویایی را می بیند.

(تحلیل رنگ در سروده های سهراب سپهری، ص ۷۱)

علاوه بر این پروانه سپهری در کتاب اتاق آبی از قول سهراب بیان می دارد: «پنهانی به اتاق آبی می رفتم، نمی خواستم کسی مرا ببیند، اما من در اتاق آبی چیزی دیگر می شدم، انگار پوست می انداختم.» (اتاق آبی، ص ۳۲)

گل کاشی زنده بود / در دنیایی رازدار، / دنیایی به ته نرسیدنی

(گل کاشی، ص ۹۲)

آبی.

همچنین رنگ آبی در زمینه تمثیل مذهبی برای جشن های فرشتگان پذیرفته شده (تحلیل رنگ در سروده های سهراب سپهری، ص ۷۱) و همچنین در نقاشی های مذهبی پیراهن دوشیزگان باکره را به رنگ آبی می کشیدند.

(رنگ و طبیعت شفا بخش آن، ص ۴۲)

سهراب گویی با آگاهی از این مطلب در شعر فانوس خیس، امواج دریا را

همچون دوشیزگان و پریانی می داند که رنگ جامه هایشان آبی است.

و مهتاب از پلکان نیلی مشرق فرود آمد / پریان می رقصیدند / و آبی جامه هاشان با رنگ افق پیوسته بود.

(فانوس خیس، ص ۸۰)

آرکی تایپ رنگ آبی در دفتر سوم:

رنگ آبی در این دفتر هفت بار در شعرهای گل آینه، ص ۱۴۵ و ۱۵۰ (۲ بار)؛ فراتر، ص ۱۶۳؛ دیاری دیگر، ص ۱۶۷؛ خوابی در هیاهو، ص ۲۰۳ و ۲۰۴ (دو بار)؛ نیایش، ص ۱۹۳ آمده که چهار مرتبه آن با مفهوم آرکی تایپ تطبیق دارد.

در شعر گل آینه از بخار آبی گل‌های نیلوفر سخن به میان آمده است که خالی از لطف نیست در مورد نیلوفر مطالبی ذکر شود: «طبق نظریه ویل دورانت در کتاب «مشرق زمین گاهواره تمدن» اقوام آریایی در ایران و هند نیلوفر را بطن جهان و حاصل سریر خداوند می دانسته اند، راز ازلی را نیز می توان با هسته ازلی جهان بنیاد و همین طور با نیلوفر جهان بنیاد در پیوند دانست. چه طبق اساطیر هند، جهان هم از هسته ازلی بوجود آمده است و هم از نیلوفری که بر آبهای آغازین می شکفت.»

(گل‌های نیایش، ص ۱۲)

سپهری نیز در شعر صدای پای آب ارتباطی بین حقیقت و نیلوفر برقرار

می کند و می گوید:

کار ما شاید این است / که میان گل نیلوفر و قرن / پی آواز حقیقت بدویم.

(صدای پای آب، ص ۲۹۸)

در شعر گل آینه هم بخار آبی گل‌های نیلوفر علاوه بر رنگ طبیعی گل نیلوفر که آبی رنگ است نمادی از حقیقت می باشد که یکی از مفاهیم آرکی تایپ این رنگ است.

شبم مهتاب می بارد. / دشت سرشار از بخار آبی گل‌های نیلوفر.
(گل آینه، ص ۱۴۵)

و یا در جای دیگر:

باغبان آبی گل‌های نیلوفر: / باز شد درهای بیداری. / پای درها
لحظه وحشت فرو لغزید. / سایه تردید در مرز شب جادوگست از هم. /
روزن رؤیا بخار نور را نوشید.
(هشت کتاب، گل آینه، ص ۱۵۰)

همچنین رنگ آبی در شعر (خوابی در هیاو) دارای مفهوم آرکی تایپ می باشد که در هاله ای از تقدس و احساس مذهبی جلوه گر است.
در شعر خوابی در هیاو (۲ مرتبه) سهراب به جدا شدن خود از عالم بالا و هبوطش به زمین سخن می گوید و در جستجوی اصل خویش می باشد.

(خوابی در هیاو، ص ۲۰۳)

آرکی تایپ رنگ آبی در دفتر چهارم:

شاعر در این دفتر به رنگ آبی اشاره ای ندارد.

آرکی تایپ رنگ آبی در دفتر پنجم:

در این دفتر رنگ آبی دو مرتبه آمده است که در یک مورد با مفهوم آرکی

تایپ به معنی حقیقت تطبیق دارد.

و نپرسیم که فواره اقبال کجاست. / و نپرسیم چرا قلب حقیقت آبی است. / و نپرسیم پدرهای پدرها چه نسیمی، چه شبی داشته اند.
(صدای پای آب، ص ۲۹۴)

آرکی تایپ رنگ آبی در دفتر ششم:

در این دفتر رنگ آبی دو مرتبه در صفحات ۳۰۷ و ۳۱۸ آمده است که یک مرتبه آن با مفهوم آرکی تایپ مطابق است.

و فکر کن که چه تنهاست / اگر که ماهی کوچک، دچار آبی دریای بیکران باشد.
(هشت کتاب، مسافر، ص ۳۰۷)

آرکی تایپ رنگ آبی در دفتر هفتم:

در این دفتر رنگ آبی شش مرتبه به ترتیب در شعرهای ساده رنگ، ص ۳۴۲؛ آب، ص ۳۴۷؛ غربت، ص ۳۵۳؛ نشانی، ص ۳۵۹؛ پشت دریا، ص ۳۶۳؛ تانبض خیس صبح، ص ۴۰۶ آمده است که در پنج مورد با مفهوم آرکی تایپ مطابقت دارد. از میان موارد فوق، در دو شعر ساده رنگ و آب، رنگ آبی نمود عشق و محبت می باشد. عشقی که حاصل از دیدگاه وحدت وجودی شاعر با همه عناصر طبیعت است. به آسمان، به زمین، به آب، به گل، زندگی، لادن ها و گل سرخ عشق می ورزد و به واسطه ی این عشق، آسمان را آبی تر می بیند.

صداقت دیگر نمودی از رنگ آبی است که باز هم در مفهوم یکی از معانی آرکی تایپ می باشد. آن زمانی که نشانی فروغ را می جوید:

نرسیده به درخت، / کوچه باغی است که از خواب خدا سبزتر است /
و در آن عشق به اندازه پره‌های صداقت آبی است.

(هشت کتاب، نشانی، ص ۳۵۹)

در شعر تا نبض خیس صبح، نماد تزکیه معنوی می باشد، زیرا خصوصیت شط ها زدودن ناپاکی ها است. در این جا صفات آبی شط ها تشخیص یافته است و کتاب های شاعر را با خود می برد یعنی دانش تقلیدی که همچون عقیده ای در سر راه سلوک عارفانه اوست محو می شود.

(تحلیل رنگ در سروده های سهراب سپهری، ص ۹۱)

مثل پروزهای فکر، جوان بود / حنجره اش از صفات آبی شط ها / پر شده بود. / یک نفر آمار کتاب های مرا برد.

(تا نبض خیس صبح، ص ۴۰۶)

آرکی تایپ رنگ آبی در دفتر هشتم

در این دفتر رنگ آبی سه بار در شعرهای از آب ها به بعد، ص ۴۲۴؛ هم سطر- هم سپید، ص ۴۲۷؛ تنهای منظره، ص ۴۴۸ آمده است که دو مرتبه آن یعنی در شعر از آب ها به بعد، هم سطر- هم سپید نماد حقیقت می باشند که با مفهوم آرکی تایپ تطبیق دارد.

نتیجه گیری:

نتیجه گیری کلی از آرکی تایپ رنگ آبی در دیوان سپهری

جمع	دفتر ۸	دفتر ۷	دفتر ۶	دفتر ۵	دفتر ۴	دفتر ۳	دفتر ۲	دفتر ۱	
۲۵	۳	۶	۳	۲	-	۷	۴	-	نمود آبی
۱۷	۲	۵	۱	۱	-	۴	۴	-	تطابق با آرکی تایپ

رنگ سبز و آرکی تایپ آن :

رنگ سبز رنگ فرعی بوده که از ترکیب دو رنگ اصلی آبی و زرد بوجود می آید و چون رنگ آبی رنگ، رنگ سرد و زرد، یک رنگ گرم می باشد در نتیجه رنگ سبز می تواند یک رنگ ولرم یا سرد و گرم باشد. در اعتقادات مذهبی، رنگ سبز سمبل ایمان و عقیده و توکل، فنا پذیری، ابدیت، عمق است.

این رنگ که بیشتر در اعیاد مورد استفاده دارد سمبل رستاخیز و محشر نیز می باشد. با توجه به آیات قرآنی به نظر می رسد که رنگ سبز زیباترین رنگی است که در قرآن مطرح شده و بساط بهشتیان و جامه های ابریشمین و حریرهای سبز رنگ در آیاتی چند آمده است. در هر حال رنگ سبز، رنگ طبیعت است. رنگ سبز نشان دهنده بهار، جوانی، رشد و نمو می باشد.

(ر.ک. رنگ و تربیت، ص ۷۲)

این رنگ در بحث آرکی تایپ نماد رشد، احساس، امید، باروری و در زمینه

منفی می تواند با ویرانی و مرگ تداعی شود
(راهنمای رویکرد نقد ادبی، ص ۱۷۵)

آرکی تایپ رنگ سبز در دفتر اول :

رنگ سبز در دفتر اول یک بار آمده است که در معنای آرکی تایپ

نمی باشد.

آرکی تایپ رنگ سبز در دفتر دوم :

رنگ سبز در این دفتر دوبار در شعرهای فانوس خیس، ص ۸۰ و سفر،

ص ۱۲۵ آمده است که یک مرتبه از آن در مفهوم آرکی تایپ می باشد. در شعر

سفر، رنگ سبز اشاره به امید دارد که در فضای زندگی شاعر منتشر می شود.

پس از لحظه های دراز / بر درخت خاکستری پنجره ام برگی روید /
و نسیم سبزی تار و پود خفته مرا لوزاند. / و هنوز من / ریشه های تنم را در شن
های رویاها فرو نبرده بودم / که به راه افتادم.

(هشت کتاب، سفر، ص ۱۲۴)

آرکی تایپ رنگ سبز در دفتر سوم:

در این دفتر رنگ سبز ۱۱ بار در شعرهای شاسوسا، ص ۱۳۹، ۱۴۰ (دو بار)، ۱۴۱؛ گل آینه، ص ۱۴۶؛ آن برتر، ص ۱۵۵؛ میوه تاریک، ص ۱۸۱ (۲ بار)؛ خوابی در هیاوو، ص ۲۰۳ و ۲۰۴ (۳ مرتبه) آمده که در تمام موارد در مفهوم آرکی تایپ به کار رفته است.

همان طور که گفته شد، رنگ سبز سمبل ایمان، عقیده، دین، توکل، فناپذیری و ابدیت می باشد. (رنگ و تربیت، ص ۷۲)

رنگ سبز مناسب ترین رنگ برای بیان سرغیب الغیوب است. بهترین رنگی که به کمک آن می توان حالات عرفانی را نشان داد. (ر.ک. نیلوفر خاموش، ص ۹۸)

در این دفتر سهراب برای بیان حالات عرفانی ۹ بار از رنگ سبز در شعرهای شاسوسا (۴ مرتبه)، میوه تاریک (۲ مرتبه)، گل آینه (۱ مرتبه)، خوابی در هیاوو (۱ مرتبه) بهره جسته است.

شاخه خم می شد به راهش مست بار، / او فراتر از جهان برگ و بر. / باغ،
سرشاز از تراوش های سبز. / او، درونش سبزتو، سرشارتر.

(هشت کتاب، میوه تاریک، ص ۱۸۱)

همچنین در شعر شاسوسا، ص ۱۳۹ دوران کودکی به باغ سبز تشبیه شده است، علت این امر عدم درگیری کودک با عالم مادیات می باشد. پس، از عالم ربانی و عرفانی خیلی فاصله نگرفته است و هنوز پاک و صاف می باشد و تیرگی ها در دل او راه ندارد. بنابراین در کودکی، در معصومیت کودکانه ماندن، امکان دست یازیدن به «حقیقت» وجود دارد. چرا که کودک، ساده، صادق و صمیمی است و تنها با صداقت کودکانه می توان به جستجوی آن رفت، به همین خاطر رنگ سبز یاد آور همان صداقت و حالت عرفانی است. (هدایت و سپهری، ص ۱۶۶)

رنگ سبز در دو مورد (آن برتر، خوابی در هیاهو) جهت بیان احساس آورده شده است.

پیکره اش خاموش بود. / الای اندوهی بر ما وزید. / تراوش سیاه نگاهش
بازمزمه سبز علف ها آمیخت.

(هشت کتاب، آن برتر، ص ۱۵۵)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

آرکی تایپ رنگ سبز در دفتر چهارم:

رنگ سبز در دفتر چهارم یک بار در شعر شیطان هم آمده است که در مفهوم آرکی تایپ نمی باشد.

آرکی تایپ رنگ سبز در دفتر پنجم:

رنگ سبز در این دفتر ۴ بار در صفحات ص ۲۷۵، ص ۲۸۷، ص ۲۹۳، ص ۲۹۵ آمده است. از این میان دو مورد با مفاهیم آرکی تایپ مطابقت می کند که یک مورد به صورت دایره سبز آمده است.

دایره و کانونش مبدائی است که همه چیز از آن نشأت می گیرد و بدان می گراید و بنابراین دایره و مرکز از رمزهای مهم به شمار می آیند. شکل دایره مظهر وحدت و کلیت و شکفتگی و کمال است. (ر.ک. رمزهای زنده جان، ص ۷۷)

دایره سبز تصویری از دایره تهی است که با بینش اساطیری مرتبط می باشد. وصف شاعر از این دایره هستی حاکی از تمامیت و کمال آن است و با دنیای دوران کودکی گره می خورد.

باغ ما در طرف سایه دانایی بود. / باغ ما جای گره خوردن احساس و گیاه، / باغ ما نقطه برخورد نگاه و قفس و آینه بود. / باغ ما شاید، قوسی از دایره سبز سعادت بود.

(صدای پای آب، ص ۲۷۵)

و نیز در بخشی دیگر از شعر صدای پای آب، رنگ سبز نماد احساس می باشد.

و بیاریم سبد / ببریم این همه سرخ، این همه سبز.

(صدای پای آب، ص ۲۹۳)

آرکی تایپ رنگ سبز در دفتر ششم:

در این دفتر رنگ سبز ۴ بار در صفحات ۳۰۵، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳ به کار رفته است که در سه مورد آن با مفهوم آرکی تایپ مطابقت دارد.

در یک مورد سخن از خواب سبز به میان آمده است که نماد پاکی و صداقت دوران کودکی شاعر است.

چه اتفاق افتاد / که خواب سبز ترا سارها درو کردند؟

(مسافر، ص ۳۱۲)

در جایی دیگر از این دفتر رنگ سبز، جلوه ای از احساس می باشد که از مفاهیم دیگر آرکی تایپ است.

به یادگاری شاتوت روی پوست فصل / نگاه می کردی، / حضور سبز
قبایی میان شبدرها / خراش صورت احساس را مرمت کرد.

(مسافر، ص ۳۱۳)

دیگر جلوه آرکی تایپ در این دفتر نمود رشد و باروری و جوانه زدن است. زمانی که می پرسد: چه وقت انسان به حقیقت دست می یابد و روح او به رشد و باروری خود می رسد یا به عبارت دیگر سبز خواهد شد.

(مسافر، ص ۳۱۱)

آرکی تایپ رنگ سبز در دفتر هفتم:

رنگ سبز در این دفتر ۹ بار در شعرهای از روی پلک شب، ص ۳۳۴ (۲ بار)؛ پیامی در راه، ص ۳۴۰؛ در گلستانه، ص ۳۵۰؛ نشانی، ص ۳۵۹؛ از سبز به سبز، ص ۳۸۸ (۲ بار)؛ ندای آغاز، ص ۳۹۱؛ دوست، ص ۴۰۰ آمده است که از این میان ۵ مرتبه نماد احساس مذهبی و تقدس عرفانی است که به ترتیب در شعرهای از روی پلک شب، پیامی در راه، نشانی، ندای آغاز، دوست دیده می شود. برای مثال سپهری در شعر دوست که برای فروغ فرخزاد سروده است یک شب فروغ، محبت را که نمود احساس می باشد چنان تفسیر می کند که دست را به عاطفه سطح خاک می کشد.

برای ما، یک شب / سجود سبز محبت را / چنان صریح ادا کرد / که ما به
عاطفه سطح خاک دست کشیدیم.

(دوست، ص ۴۰۰)

در شعر «نشانی» رنگ سبز نمادی از تقدس است.

نرسیده به درخت / کوچه باغی است که از خواب خدا سبزتر است / و در آن عشق به اندازه پره‌های صداقت آبی است.

(نشانی، ص ۳۵۹)

یکی از مفاهیم آرکی تایپ که معنای رشد و امیدواری است در شعرهای «در گلستانه و از روی پلک شب» دیده می‌شود.

آرکی تایپ رنگ سبز در دفتر هشتم:

در این دفتر ۵ بار از رنگ سبز در اشعار متن قدیم شب، ص ۴۳۳؛ بی روزها عروسک، ص ۴۳۹؛ چشمان یک عبور، ص ۴۴۳؛ تنهای منظره، ص ۴۴۷؛ این جا همیشه تیه، ص ۴۵۳ استفاده شده است که در ۴ مورد آن دارای مفهوم آرکی تایپ می‌باشد.

در سه مورد رنگ سبز، نماد تقدس و بیانگر حالات عرفانی است که در اشعار متن قدیم شب، این جا همیشه تیه، چشمان یک عبور مشاهده می‌شود. به عنوان مثال در شعر (این جا همیشه تیه) شاعر کماکان در جستجوی حقیقت است و می‌گوید:

باغ سبز تقرب / تا کجای کویر / صورت ناب یک خواب شیرین؟

(هشت کتاب، این جا همیشه تیه، ص ۴۵۳)

دیگر مفهوم آرکی تایپ رنگ سبز، امید به زندگی است که در شعر بی روزها عروسک، ص ۴۳۹ جلوه گر است.

نتیجه گیری:

نتیجه گیری کلی از آرکی تایپ رنگ سبز در دیوان سپهری

دفتر ۱	دفتر ۲	دفتر ۳	دفتر ۴	دفتر ۵	دفتر ۶	دفتر ۷	دفتر ۸	جمع	
۱	۲	۱۱	۱	۴	۴	۹	۵	۳۷	نمود سبز
-	۱	۱۱	-	۲	۲	۷	۴	۲۷	تطابق با آرکی تایپ

رنگ سرخ و آرکی تایپ آن:

رنگ قرمز یا سرخ با شور و نیرو و قدرت و حیات پیوستگی دارد و درخشش این رنگ نماد جهانی اصل و مبدأ زندگی است. این رنگ رنگی دوسویه می باشد که قرمز روشن نماد شور و حدّت و دلگرم کننده و کشاننده و برانگیزنده است و قرمز سیر برانگیزنده دقت و هشیاری و مراقبت است و گاهی موجب تشویش و نگرانی می شود. رنگ قرمز نه تنها نماد علم خفیه، بلکه نشانه مرگ عرفانی در مراسم رازآموزی نیز هست. در بعضی از فرهنگ ها رنگ قرمز، نماد خوشبختی و صداقت و صمیمیت است. (رمزهای زنده جان، ص ۱۲۴)

در کتاب رنگ و تربیت راجع به رنگ قرمز آمده است این رنگ دارای قدرت و کشش زیادی است. افراد عصبی نباید در معرض این رنگ قرار بگیرند زیرا موجب تشدید ناراحتی شان خواهد گشت. به طور کلی رنگ قرمز در انسان می تواند زمینه ساز و یا محرک شهوت و آشفته‌گی باشد این رنگ رابطه ویژه ای با خشم و غضب، کشمکش، خطر، شهامت، جرأت، مردی دارد. رنگ قرمز نماد حیات و زندگی است. (رنگ و تربیت، ص ۶۶)

رنگ سرخ در بحث آرکی تایپ « نمایانگر خون، ایشار، خشونت، هرج و

(راهنمای رویکرهای نقد ادبی، ص ۱۷۵)

مرج است.»

آرکی تایپ رنگ سرخ در دفتر اول:

این رنگ در دفتر اول ۲ بار در اشعار رو به غروب، ص ۲۷؛ دره خاموش،

ص ۴۲ آمده است که در هیچ مورد با مفهوم آرکی تایپ تطبیق ندارد.

آرکی تایپ رنگ سرخ در دفتر دوم و سوم و چهارم:

شاعر در این دفترها به رنگ سرخ اشاره نکرده است.

آرکی تایپ رنگ سرخ در دفتر پنجم:

در این دفتر رنگ سرخ ۶ مرتبه در صفحات ۲۷۲، ۲۸۰، ۲۸۹، ۲۹۱،

۲۹۳، ۲۹۶ آمده است که ۴ مرتبه آن با مفهوم آرکی تایپ تطبیق دارد.

یکی از جلوه های آرکی تایپ رنگ قرمز مرگ است. زمانی که سهراب

مرگ را زیبا می پندارد و به توصیف آن می پردازد:

مرگ در آب و هوای خوش اندیشه نشیمن دارد. / مرگ در ذات شب

دهکده از صبح سخن می گوید. / مرگ با خوشه انگور می آید به دهان. /

مرگ در حنجره سرخ - گلو می خواند. / مرگ مسئول قشنگی پر شاپرک

است.

(صدای پای آب، ص ۲۹۶)

دیگر جلوه ای از معانی آرکی تایپ رنگ قرمز، محرک شهوت بودن است.

پله هایی که به سردابهٔ الکل می رفت. / پله هایی که به قانون فساد گل
سرخ / و به اذارک ریاضی حیات، / پله هایی که به بام اشراق؛ / پله هایی که به
سکوی تجلی می رفت.

(همان، ص ۲۸۰)

شاعر همچنین در صفحه ۲۹۳، خود را با کل هستی و کائنات یکی می داند و
همین احساس و اندیشه او را از تنهایی می رهااند و نزدیکی و صمیمیتی بین او و جهان
اطرافش پدید می آید.

من به سببی خوشنودم / و به بوییدن یک بوتهٔ بابونه / من به یک آینه، یک
بستگی پاک قناعت دارم. / من نمی خندم اگر بادکنک می ترکد.

(همان، ص ۲۸۹)

در نتیجهٔ این صمیمیت است که تمام مظاهر طبیعت برای شاعر زیبا می شود و
دیگر تفاوتی بین شبدر و لالهٔ قرمز نمی بیند و در پی این اندیشه است که می گوید:

و بیاریم سبد / ببریم این همه سرخ، این همه سبز.

(همان، ص ۲۹۱)

آرگی نایب رنگ سرخ در دفتر ششم:

به رنگ سرخ در این دفتر اشاره ای نشده است.

آرگی نایب رنگ سرخ در دفتر هفتم:

در این دفتر سه مرتبه رنگ سرخ در اشعار پیامی در راه، ص ۳۳۹؛ پیغام ماهی،
ص ۳۵۵؛ سورهٔ تماشا، ص ۳۷۵ آمده است که در شعر پیامی در راه مفهومی از آرگی

تایپ دیده می شود. شاعر برای کسانی که سبدهاشان پر خواب است سیب سرخ خورشید را هدیه می دهد که نماد اصل و مبدأ زندگی است.

روزی / خواهم آمد، و پیامی خواهم آورد / در رگ ها، نور خواهم ریخت / صدا خواهم داد / ای سبدهاتان پر خواب سیب آوردم / سیب سرخ خورشید.

(پیامی در راه، ص ۳۳۹)

آرکی تایپ رنگ سرخ در دفتر هشتم:

در این دفتر رنگ سرخ به دو صورت مسی، ص ۴۵۰ و صورتی، ص ۴۴۴ مشاهده می شود که هیچ کدام مفاهیم آرکی تایپ را در بر ندارد.

نتیجه گیری:

نتیجه گیری کلی از آرکی تایپ رنگ سرخ در دیوان سپهری

	دفتر ۱	دفتر ۲	دفتر ۳	دفتر ۴	دفتر ۵	دفتر ۶	دفتر ۷	دفتر ۸	جمع
نمود سرخ	۲	-	-	-	۶	-	۳	۲	۱۳
تطابق با آرکی تایپ	-	-	-	-	۴	-	۱	-	۵

رنگ زرد و آرکی تایپ آن:

رنگ زرد جزو رنگ های گرم می باشد و رنگ خوشحالی و شادابی و نشاط است. به طور کلی رنگ زرد نشان روشنی و نور است. از لحاظ سمبولیک با فهم و دانایی ارتباط دارد و نشان دانش و معرفت است.

زرد بیانگر گرمای خورشید، عروج انبیاء، جام مقدس و شادمانی و سرخوشی می باشد. رنگ زرد در ایران نشانگر یأس و ناامیدی است که مخالف زندگی می باشد. چون در گذشته بیماری یرقان یا زردی در اکثر نقاط ایران موجب مرگ و میر بسیار بوده است. همچنین رنگ زرد در چین و تمدن مسیحی غرب، نماد تقدس است. (رنگ و تربیت، ص ۶۹)

« زرد، رنگ ابدیت و جاودانگی است. در مقابر مصریان، زرد که نماد خورشید و خدایان است، و غالباً توأم با آبی، موجب بقای نفس و جان در گذشته محسوب می شده است ... زرد طلایی که رنگ خاک بارور و خوشه های رسیده در تابستان است، فروغی شادی بخش و نیرویی نشاط انگیز دارد. زرد تند پررنگ و رخشان گشاینده ذهن است، و زداینده وسواس از دل و برانگیزنده جان ... رمزپردازی زرد هم دو پهلو است: در قرون وسطی، زرد طلایی، نشانه عشق بود و زرد کمرنگ، نشان خیانت ... امروزه رنگ زرد، نشانه رشک و حسادت است.»

(رمزهای زنده جان، صص ۱۲۷-۱۲۶).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

آرکی تایپ رنگ زرد در دفتر اول و دوم:

شاعر در دفتر اول و دوم اشاره ای به رنگ زرد ندارد.

آرکی تایپ رنگ زرد در دفتر سوم:

رنگ زرد در این دفتر دو بار به صورت رنگ طلایی جلوه می کند که با معنای آرکی تایپ تطبیق دارد و از خوشی و شادی حکایت میکند.

سهراب در شعر شاسوسا شادمانی های دوران کودکی خود را به زنجیره های

طلایی تشبیه کرده است.

از پنجره / غروب را به دیوار کودکی ام تماشا می کنم. / بیهوده بود،
بیهوده بود. / این دیوار روی درهای باغ سبز فرو ریخت. / زنجیر طلایی بازی
ها، و دریچه روشن قصه ها، زیر آوار رفت.

(هشت کتاب، شاسوسا، ص ۱۳۹)

و یا در شعر تارا که ستاره ای در خواب طلایی ماهیان می افتد .

از تارم فرود آمدم ، کنار برکه رسیدم. / ستاره ای در خواب طلایی
ماهیان افتاد، رشته عطری گسست. آب از سایه افسوسی پر شد.

(هشت کتاب، تارا، ص ۲۰۵)

آرکی تایپ رنگ زرد در دفتر چهارم و پنجم:

شاعر در دفتر چهارم و پنجم اشاره ای به رنگ زرد ندارد.

آرکی تایپ رنگ زرد در دفتر ششم:

در این دفتر رنگ زرد به صورت رنگ طلایی جلوه گر شده است. سهراب در
شعر مسافر، رنگ طلایی را در معنی تقدس به کار می برد.

همیشه با نفس تازه راه باید رفت / و فوت باید کرد / که پاک پاک شود
صورت طلایی مرگ.

(مسافر، ص ۳۱۴)

آرکی تایپ رنگ زرد در دفتر هفتم:

آرکی تایپ رنگ زرد در این دفتر سه مرتبه در شعرهای ورق روشن وقت،
ص ۳۷۹؛ از سبز به سبز، ص ۳۸۸؛ به باغ همسفران، ص ۳۹۴ آمده است. رنگ زرد،

رنگ خوشحالی، شادابی و نشاط است. سهراب در شعر ورق روشن شب، زمانی که دعایی برای دوستان خود می‌کند؛ می‌گوید: روزهاشان پرتقالی باد.

رنگ پرتقال یکی از جلوه‌های رنگ زرد است که در اینجا نماد خوشحالی و شادابی است. پس در واقع سهراب می‌گوید: روزهاشان خوش باد.

همچنین در شعر باغ همسفران نیز رنگ زرد در معنای سرخوشی، خوشی و شادابی از مفاهیم آرکی تایپ است.

(باغ همسفران، ص ۳۹۷)

آرکی تایپ رنگ زرد در دفتر هشتم:

در دفتر هشتم رنگ زرد یک بار آمده است که مفهوم آرکی تایپ را در

برندارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

نتیجه گیری:

نتیجه گیری کلی از آرکی تایپ رنگ زرد در دیوان سپهری

جمع	دفتر ۸	دفتر ۷	دفتر ۶	دفتر ۵	دفتر ۴	دفتر ۳	دفتر ۲	دفتر ۱	
۷	۱	۳	۱	-	-	۲	-	-	نمود زرد
۴	-	۲	-	-	-	۲	-	-	تطابق با آرکی تایپ

رنگ بنفش و آرکی تایپ آن :

این رنگ، رنگی فرعی و از ترکیب دو رنگ اصلی قرمز و آبی بوجود می آید. خصوصیات رنگ بنفش سردی، کناره گیری، انزوا طلبی و بی طرفی می باشد و کنایه از خون و اندوه و غم و تسلیم است. بنفش چون ترکیبی از تسکین دهی آبی و تهییج کنندگی قرمز می باشد؛ لذا در حالت کلی تعیین کننده هویت است. این رنگ می تواند به معنای هم ذات پنداری، صمیمیت، ترکیبی از تمایلات جنسی و حتی به معنای کشف و شهود باشد. این رنگ همچنین نمایشگر بی خبری، بی اختیاری، ظلم و دشواری است و رنگی مرموز و بر انگیزاننده احساسات است. بنفش تیره محتوا و نهانگاه فاجعه و مصیبت است و زمانی که روشن شود نشانه تقدس است. این رنگ سمبل هرج و مرج، مرگ، ستایش و عظمت است و بنفش آبی، رنگ القا کننده تنهایی است و قرمز آن نشان عشق یزدانی و سلطه روحانی است. (رنگ و تربیت، ص ۷۷)

« در افق دایره زندگی، بنفش در برابر سبز جای دارد و در واقع برخلاف سبز، نماد نوزایی بهار نیست، بلکه نشانه افول و زوال پاییز یعنی گذر از زندگی به مرگ است. بنابراین چون رنگ مرگ است، گاه به نشانه ماتم و عزا به کار می رود، با این همه همچون دور فصول، به معنای مرگ و فنا ی قطعی نیست، بلکه نمودار حالتی است که به رستاخیزی نو می انجامد.» (رمزهای زنده جان، ص ۱۲۹)

آرکی تایپ رنگ بنفش در دیوان سپهری :

در کل دیوان سپهری رنگ بنفش دو بار در دفتر دوم در شعر پاداش صفحات ۹۷ و ۹۹ آمده است که یک مرتبه از این دو با مفهوم آرکی تایپ در معنی مرگ تطبیق دارد.

گیاه تلخ افسونی! / شوکران بنفش خورشید را / در جام سپید یانبان ها لحظه
به لحظه نوشیدم.

(هشت کتاب، پاداش، ص ۹۷)

نتیجه گیری:

نتیجه گیری کلی از آرکی تایپ رنگ بنفش در دیوان سپهری

جمع	دفتر ۸	دفتر ۷	دفتر ۶	دفتر ۵	دفتر ۴	دفتر ۳	دفتر ۲	دفتر ۱	
۲	-	-	-	-	-	-	۲	-	نمود بنفش
۱	-	-	-	-	-	-	۱	-	تطابق با آرکی تایپ

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه گیری کلی :

سهراب سپهری، نقاش شاعر و شاعر نقاش در میان خیال ورزی های شاعرانه اش از عنصر رنگ یاری جسته تا با رنگارنگی کلامش جان خوانندگان را بنوازد و زیبایی سخنانش هر چه بیشتر در دل و جان خانه سازد.

سهراب از عنصر هفت رنگ سیاه، سفید، آبی، سبز، سرخ، زرد، بنفش ۲۱۲ بار در کلامش بهره جسته که ۶۵٪ آن با مفاهیم آرکی تایپ تطبیق دارد. دریک نتیجه گیری کلی درصد موارد استفاده رنگها از بیشتر به کمتر و تطبیق آن با مفاهیم آرکی تایپ در جدول زیر آمده است.

نتیجه گیری کلی از آرکی تایپ رنگ ها در دیوان سپهری

بنفش	زرد	سرخ	سفید	آبی	سبز	سیاه	
۰/۹	۳/۳	۶/۱	۹/۹	۱۱/۷	۱۷/۴۵	۵۰/۴۷	در صد مورد استفاده
۰/۷	۲/۸	۳/۶	۱۰/۸۶	۱۲/۳۱	۱۹/۵۶	۵۰	درصد تطابق با آرکی تایپ

منابع:

۱. آتشی، منوچهر. سهراب شاعر نقشها، تهران، انتشارات آمیتیس، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۲. آلبرز، یوزف. تأثیر متقابل رنگها، (۱۸۸۸)، ترجمه ی عربعلی شروده، تهران، انتشارات نی، ۱۳۶۸.
۳. اتین، یوهانس. عناصر رنگ، ترجمه حسن ملجایی، تهران، انتشارات دانش تایپ، ۱۳۷۵.
۴. اکبرزاده، محمدعلی. رنگ و تربیت، تهران، میثا، ۱۳۷۵.
۵. برندفلمار، کلاوس. رنگ و طبیعت شفابخش آن، مترجم شهناز آذرنیوش، تهران، ققنوس، ۱۳۷۶.
۶. حسینی، صالح. گلهای نیایش (شعر و نقد سهراب سپهری)، تهران، انتشارات نیلوفر، پاییز ۱۳۷۵.
۷. حسینی، صالح. نیلوفر خاموش (نظری به شعر سهراب سپهری)، تهران، انتشارات نیلوفر، ۱۳۷۹.
۸. حسن لی، کاووس؛ صدیقی، مصطفی. تحلیل رنگ در سروده های سهراب سپهری، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره جدید شماره ۱۳ (پیاپی ۱۰)، بهار ۸۲، صص ۱۰۳-۶۱.
۹. دیووکور، مونیک. رمزهای زنده جان، ترجمه جلال ستاری. تهران، نشر مرکز، چاپ دوم، ۱۳۷۶.
۱۰. سپهری، پروانه. اتاق آبی، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۰.
۱۱. سپهری، پریدخت. سهراب مرغ مهاجر، تهران، انتشارات طهوری، ۱۳۷۵.

۱۲. سپهری، سهراب. هشت کتاب، تهران، انتشارات طهوری، چاپ پنجم، ۱۳۶۳.
۱۳. گورین، ال و همکاران. راهنمای رویکرد نقد ادبی، ترجمه زهرا مهین خواه، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۰.
۱۴. لوشه، ماکس. روانشناسی رنگها، ترجمه ویدا ابی زاده، تهران، ناشر مترجم، چاپ سوم ۱۳۷۱.
۱۵. مقدادی، بهرام. فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی، تهران، انتشارات فکر روز، ۱۳۷۸.
۱۶. مقدادی، بهرام. هدایت و سپهری، تهران، انتشارات هاشمی، ۱۳۷۸.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی